

«اصالة الضعة» یا اصل صحت قراردادها در حقوق ایران (بخش دوم و پایانی)

توفیق عرفانی^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. قاضی بازنشسته دیوان عدالت اداری، دکتر در حقوق خصوصی و عضو هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

«اصالة الصّحة» یا اصل صحت قراردادها در حقوق ایران (بخش دوم و پایانی)

بخش نهم:

«اصل صحت در قانون مدنی و رویه قضایی»

قانون مدنی ایران که مقتبس از فقه اسلامی است به پیروی از فقهاء امامیه اصل صحت را به صراحت پذیرفته است و در این بخش از تحقیق و بررسی تعدادی از مواد قانون مدنی که براساس اصل صحت پذیرفته شده است به همراه آراء دیوان عالی کشور (رویه قضایی) آورده شده است.

۱- ماده ۲۲۳ قانون مدنی «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود» قاعده‌ای که به موجب این ماده اتخاذ شده است همان قاعده‌ای است که در اصطلاح علماء حقوقی اصالة الصّحة نامیده می‌شود و به موجب ماده مزبور اصل در معاملات صحت آنها می‌باشد و هرکس که مدعی فساد یا بطلان آن باشد باید ادعای خود را ثابت نماید.^۱ دیوان کشور در رأی شماره ۱۴۶۵ - ۱۳۱۷/۶/۲۰ در این باره می‌گوید: «مطابق ماده ۲۲۳ قانون مدنی هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است مگر اینکه فساد آن معلوم شود بنابراین برای احراز صحت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد فساد معامله محتاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن».^۲

۱. مصطفی عدل (منصورالسلطنه)، حقوق مدنی، ص ۳۴، ناشر امیرکبیر، سال ۱۳۴۲.

۲. مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان کشور، ناشر سازمان انتشارات کیهان، ص ۶۰، چاپ دوم، سال ۱۳۷۰ و محمد بروجردی، اصول قضایی، قسمت حقوقی، ص ۵۳.

۲- ماده ۱۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است و علی‌هذا مادامی که خلاف قانون بودن قراردادی به اثبات نرسیده باشد اصل صحت در مورد قرارداد منعقدہ جاری خواهد بود.

حکم شماره ۵۰۸ - ۱۳۳۲/۳/۳۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «با تصدیق دادگاه به اینکه (خواننده به صحت قرارداد ابرازی خواهان اعتراف کرده و قرارداد نیز طبق ماده ۱۰ قانون مدنی نافذ است» در این صورت صدور حکم بر بی‌حقی خواهان به مستند اینکه (قرارداد مزبور ضمن عقد لازم تنظیم نشده و لازم‌الاجراء نیست) غیرموجه است.^۱

شعبه چهارم دیوان کشور نیز در رأی ۲۴۲ - ۱۳۲۷/۲/۱۵ چنین می‌گوید: «هرگاه طرفین در موقع تنظیم اجاره‌نامه نظر به ضمانت مذکور در ماده ۶۹۸ قانون مدنی نداشته باشند تا ذمه مضمون عنه (مستأجر) در مقابل مضمون له (موجر) بری و ذمه ضامن مشغول گردد بلکه با استفاده از ماده ۱۰ قانون مدنی مستأجر و متعهد در مقابل موجر تعهد انجام مقررات مذکور در اجاره‌نامه و پرداخت مال‌الاجاره را کرده باشد، چنین تعهدی مانع قانونی نخواهد داشت.^۲

رأی اصراری شماره ۲۶۷۴ - ۶۸/۹/۲۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور نیز مقرر می‌دارد: «به موجب قراردادهای تنظیمی مضبوط در پرونده به تجدیدنظر خواننده اجازه داده شده با رعایت شرایط و ضوابط معینی تحت نظر مدیریت هتل لاله در یکی از اطاق‌های هتل تابلو نقاشی به مشتریان عرضه کند. قرارداد مزبور با توجه به مفاد آن از شمول قانون روابط موجر و مستأجر خارج و بر طبق ماده ۱۰ قانون مدنی نسبت به طرفین نافذ است.^۳

۱. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظرات دیوان کشور از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰، ص ۱۳۶.

۲. مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان کشور، سازمان انتشارات کیهان، ص ۷.

۳. همان، ص ۸.

رای ۷۲ - ۵۹۶ شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور بیان می‌دارد: «رد دعوی صرفاً به این جهت که قولنامه چون ضمن عقد لازم تنظیم نشده وفق بخشنامه شورای عالی سابق قضایی قابل پذیرش نیست موجه به نظر نمی‌رسد و با مفاد ماده ۱۰ قانون مدنی منافات دارد زیرا با تجویز ماده مزبور و با التفات به اینکه بخشنامه به هر حال نمی‌تواند ناقض قانون معتبر و لازم‌الاجراء باشد و نظر به اینکه مستند دعوی هم از مصادیق قراردادهای خصوصی مذکور در همان ماده می‌باشد و در باب اینکه مفاد این سند مخالف صریح قانون است، استدلال موجهی به عمل نیامده...»^۱

شعبه ۲۴ دیوان کشور نیز در دادنامه ۷۴/۵۵۲ - ۷۲/۸/۵ در پرونده کلاسه ۲۴/۷/۱۷۷ اظهار نظر نموده است که «... اصل حاکمیت اراده افراد در تنظیم قراردادهای خصوصی به موجب ماده ۱۰ ق.م. پذیرفته شده است.»^۲

خرید و فروش فیش تلفن از جمله قراردادهای نوظهور و از عقود مستحدثه می‌باشد درباره اینکه آیا «فیش تلفن قابل نقل و انتقال است یا نه؟ و دعوی الزام به انتقال فیش تلفن قابل پذیرش است یا خیر؟ نظریه و اتفاق آراء مورخ ۶۴/۲/۱۹ قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ سابق تهران بدین شرح است:

ج - در صورتی که فیش تلفن به موجب قولنامه یا سند رسمی از طرف صاحب آن به غیر منتقل شود منتقل الیه می‌تواند در دادگاه الزام دارنده فیش را به واگذاری آن به نام خود بخواهد و چنین دعوی مسموع خواهد بود و دادگاه صاحب فیش را محکوم به این واگذاری خواهد نمود و ذکر عبارت «غیرقابل انتقال در فیش مانع صدور رأی نخواهد بود. چه این شرط صحیح نبوده و نمی‌تواند حقوق دارنده فیش یعنی صاحب حقوق مادی را در واگذاری آن سلب نماید و معامله صاحب فیش با

۱. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۶۷، ص ۱۹.

۲. ابراهیم ستاری شعاریان، مجموعه مقالات حقوقی، نشریه کانون وکلاء آذربایجان شرقی و اردبیل، شماره نخست و مقاله تطبیق اصل آزادی قراردادها با اوفوبالعقود، ص ۷۵، سال ۱۳۷۹.

خریدار یا به عنوان بیع و یا قراردادی براساس ماده ۱۰ قانون مدنی معتبر و لازم‌الرعایه خواهد بود و آیین‌نامه تقاضا و استفاده از تلفن مخابرات نیز نه تنها مخالفتی با این معنی ندارد، اساساً مجرد آیین‌نامه یا فقدان حکم قانونی نمی‌تواند مخالف قانون و اصول و عموماً باشد.^۱

نظریه شماره ۷/۳۱۳۷-۱۳۶۶/۵/۲۸ اداره حقوقی وزارت دادگستری نیز چنین است: «با عنایت به ماده ۱۰ و ۲۳۰ قانون مدنی مطالبه وجه که ضمن عقد خارج لازم درج شده باشد بلاشکال است و مشروط ضمن‌العقد در صورتی که از شروط فاسد نباشد شرعاً لازم‌الوفاء است.

با توجه به مراتب فوق‌الاشعار و نظر به اینکه ماده ۱۰ قانون مدنی قراردادهای خصوصی را مادامی که مخالف صریح قانون نبوده و مخالف نظم عمومی و اخلاق حسنه نباشد در بین طرفین قرارداد لازم‌الاجراء می‌داند و با توجه به قاعده فقهی «العقود تابعه للقصد و المؤمنون عند شروطهم» و اینکه ماده ۱۰ مرقوم ریشه فقهی دارد و با توجه به اینکه در اصلاحات قانون مدنی نیز که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت گرفته است، هیچگونه تغییر و اصلاحی در ماده مرقوم داده نشده است، علی‌هذا اگر قراردادهای تنظیمی جزو عقود معین و مدون در کتب فقهی و قوانین نبوده باشد با در نظر گرفتن شرایط عمومی صحت معاملات قراردادی صحیح و لازم‌الاجراء تلقی می‌شود. علی‌هذا دیوان کشور نیز با توجه به مراتب یاد شده اصل صحت را در آراء مارالذکر جاری کرده است.^۲

۳- ماده ۱۹۰ قانون مدنی نیز مقرر می‌دارد: برای صحت معامله شرایط زیر اساسی

۱. یوسف نوبخت، تدوین و نگارش اندیشه‌های قضایی، نظریه قضات دادگاه‌های حقوقی ۲ سابق

تهران، ناشر سازمان انتشارات کیهان، ص ۳۰۵.

۲. توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات کیهان، ص ۲۵۴، ۲۵۲، ابراهیم ستاری شعاریان، مجموعه مقالات حقوقی، نشریه کانون وکلاء آذربایجان شرقی واردبیل، شماره نخست، ص ۷۴.

است:

۱- قصد و رضای طرفین ۲- - شعبه ۴ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۴۴۷ - ۲۷/۹/۱۴ خود چنین می گوید: اگر مستأجر اول منعی در اجاره دادن مورد اجاره به دیگری نداشته باشد فسخ اجاره اول مستلزم انفساخ اجاره دوم نخواهد بود.^۱ ملاحظه می شود با وجود آنکه مستأجر اول صراحتاً اجازه اجاره به دیگران را نداشته است مع هذا عمل وی محمول بر صحت تلقی گردیده است. به طوری که فسخ اجاره خود او موجب انفساخ اجاره دوم نمی شود. این رأی نیز با در نظر گرفتن اصل صحت صادر شده است.

۴- ماده ۲۰۶ قانون مدنی می گوید: «اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره محسوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود». رأی شماره ۲۱/۱۳۶۶ - ۶۷/۱۲/۲۰ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در این مورد چنین آورده است: «آنچه را که وکیل خواهان در خصوص بی اعتباری و بطلان قرارداد دعاوی مورخ ۶۴/۱۰/۱۱ با تغییر نحوه خواسته در جلسه دادرسی مورخ ۶۷/۶/۵ عنوان نموده و اظهار داشته است که موکل برای رهایی از زندان و به لحاظ آشفته گی زندگی و اختلال وضع شغلی تن به امضاء قرارداد مزبور داده است، در فرض صحت می تواند وجود اضطرار در انجام معامله تلقی گردد که مستنداً به ماده ۲۰۶ قانون مدنی و نظر مشهور فقهاء از موجبات فساد و بطلان معامله و خدشه در قصد و رضا محسوب نمی شود. بنابراین نظریه استنباطی مورخ ۶۷/۶/۵ شعبه ۱۸ دادگاه حقوقی یک تهران که مآلاً به صحت قرارداد مزبور ابراز گردیده است، صحیح و موجه می باشد و با تأیید آن پرونده جهت انشاء رأی اعاده می گردد.^۲

۵- رأی ۳/۷۹۹ - ۷۱/۱۲/۵ شعبه ۳ دیوان عالی کشور: «... خواننده دعوی

۱. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظریات دیوان کشور، از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰، ص ۱۷.

۲. یدالله بازگیر، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان کشور، عقود و تمهیدات، ص ۱۳۸، چاپ اول،

ناشر کتابفروشی فردوسی، سال ۱۳۷۹.

بالصراحة اقرار کرده که در مورد سه دانگ انتقالی به آقای (ح) با توجه به اظهارات خواهان در صورت جلسه ۶۹/۱۰/۲ و مندرجات وکالت نامه رسمی ۱۲۷۰۹۴ - ۶۸/۴/۲۶ ظاهراً معامله فسخ شده لیکن در مورد ادعای خوانده مبنی بر فسخ معامله سه دانگ که به بانو (م) خواهان فروخته، ادعای فسخ مقرون و مستند به دلیل نیست و وقوع معامله فروش سه دانگ خانه به خانم (م) بر حسب اقرار صریح خواننده و متن سند عادی مورخ ۶۷/۱۲/۲۸ ثابت است و چون در سند عادی برای متعاملین حق فسخ برقرار نشده و دلیلی بر اثبات ادعای فسخ و یا تفاسخ و اقامه معامله به خواهان ابراز نگردیده، لذا آثار معامله مزبور که به لحاظ مواد ۲۱۹ و ۲۲۳ قانون مدنی لازم‌الاتباع و محمول بر صحت می‌باشد، وفق ماده ۳۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی ثابت و پابرجاست و اصل هم عدم فسخ یا تفاسخ معامله است. مگر اینکه ادعای فسخ یا تفاسخ مقرون و مستند به دلیل کافی باشد...»^۱

۶- ماده ۲۱۸ قانون مدنی می‌گوید: هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است. رأی وحدت رویه شماره ۲۹۴ - ۳۷/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این باره چنین می‌گوید: (ماده ۲۱۸ قانون مدنی مبنی بر عدم نفوذ معامله اصلاحی ماده ۲۸ در مورخه ۷۰/۸/۱۴ معامله به قصد فرار از دین را باطل اعلام نموده) به قصد فرار از دین ناظر به صورتی است که دین مدیون به شخص ثالث در نظر دادگاه معلوم بوده و محقق شود به منظور فرار از تأدیه دین اقدام به معامله نموده است.^۱ ملاحظه می‌شود که مادامی که بدهی فروشنده به شخص ثالث از نظر دادگاه محرز و مسلم نگردیده باشد و یا اینکه مثلاً فروشنده دو ملک داشته باشد و هر کدام از آنها کفاف پرداخت بدهی وی را بدهد و شخص مذکور یکی از املاک خود را بفروشد، نمی‌توان عنوان معامله به قصد فرار

۱. مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان کشور، انتشارات کیهان، ص ۲۳۰۶.

۲. سیدمحمد رضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۴۰۶.

از دین تلقی و در نتیجه معامله غیرنافذ یا باطل باشد بلکه اصل صحت معاملات است.

۷- ماده ۲۲۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «عقود نه فقط متعاملین را به اجرای چیزی که در آن تصریح شده است ملزم می‌نماید بلکه متعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شود ملزم می‌باشد. رأی اصراری شماره ۳۱۶۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «طبق ماده ۲۲۰ ق.م.تعاملین به کلیه نتایجی هم که به موجب عرف و عادت یا به موجب قانون از عقد حاصل می‌شوند ملزم می‌باشند. فروشنده طبق عرف و عادت و مواد ۲۲ و ۴۶ و ۴۷ قانون ثبت ملزم به تنظیم سند رسمی است و عدم قید آن در سند موجب براءت فروشنده نخواهد بود.^۱

در این رأی نیز اصل صحت جاری است و عدم قید الزام فروشنده به تنظیم سند رسمی در قرارداد تنظیمی، مانع از صحت معامله نخواهد بود.

رأی اصراری دیگر هیأت عمومی به شماره ۲۹۷ - ۶۴/۶/۱۶ بیان می‌دارد: تنظیم سند رسمی از لوازم صوری و تشریفاتی بیع است نه از شرایط موجد حق^۲ یعنی بدون تنظیم سند رسمی نیز معامله انجام شده صحیح و معتبر است.

۸- ماده ۲۳۳ قانون مدنی بیان می‌دارد که شروط مفصله زیر باطل و موجب بطلان عقد است: ۱- شرط خلاف مقتضای عقد ۲- شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوض می‌شود. شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۹۱۴ - ۱۸/۸/۱۸ در خصوص مورد چنین رأی داده است: «مقصود از مقتضای عقد مذکور در ماده ۲۳۳ قانون مدنی آثاری است که برحسب عرف یا قانون از مقدمات یا لوازم غیرقابل انفکاک مطلق عقد محسوب می‌شود. شرط خلاف آن با مفاد عقد یا مؤثر

۱. حسین لطفیان، قولنامه و ماهیت حقوق آن، ص ۲۵، ناشر روزنامه رسمی کشور، سال ۱۳۷۰.

۲. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد،

بودن منافات داشته باشد و آثاری که در ماده ۳۶۲ قانون مذکور برای بیع صحیح ذکر شده است مطلق آثار بیع است اعم از آثاری که مقتضای عقد به معنی مذکور بوده و به واسطه شرط قابل انفکاک باشد. بنابراین ماده مزبور دلالت ندارد که ضمان درک بیع مقتضای عقد بوده و شرط خلاف آن ولو به طور محدود و مقید بر خلاف مقتضای عقد است.^۱ ملاحظه می‌شود که قسمت اخیر رأی مذکور براساس اصل صحت معاملات صادر گردیده است.

در پرونده دیگری زوجین هنگام طلاق این شرط را پذیرفته‌اند که زوجه پس از مطلقه شدن با هرکسی غیر از آقای الف ازدواج نماید و اگر زوجه چنین ازدواجی را بنماید مبلغ سیصد هزار تومان به زوج سابق خود بپردازد ولی زوجه پس از طلاق با همان شخص (آقای الف) ازدواج نموده است. دادگاه شرط مورد نظر را خلاف مقتضای عقد ندانسته و شعبه سوم دیوان کشور در نظریه شماره ۳۱۲۳-۷۲/۱/۲۳ خود چنین می‌گوید: با توجه به محتویات پرونده و مشروعیت شرط مندرج در طلاقنامه رسمی و اینکه شرط مذکور مشمول عناوین مطرح در ماده ۲۳۲ و ۲۳۳ قانون مدنی نمی‌باشد و با عنایت به ماده ۱۰ قانون مدنی و عمومات مربوط به لزوم ایفاء شرط، نظریه شماره ۷۲-۷۱/۷/۲۰ شعبه دوم دادگاه حقوقی یک شهرستان سندج در پرونده شماره ۷۱-۳۰۷ صحیح و بلاشکال تشخیص و تأیید می‌شود...^۲ رأی مذکور هرچند که درباره مشروعیت پرداخت مبلغ سیصد هزار تومان از طرف زوجه به زوج سابق خود صادر گردیده است ولی چون شرط مذکور شرط خلاف مقتضای عقد نبوده است، زیرا موضوع اصلی طلاق بوده و زوجه می‌توانسته است طبق ضوابط شرعی ازدواج نماید علی‌هذا عدم انجام شرط مذکور «عدم ازدواج با آقای الف» موجب بطلان عقد و ازدواج زوجه مذکور نگردیده است و اصل صحت

۱. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظرات دیوان کشور از ۱۳۱۰ تا ۱۳۳۰، ص

برای ازدواج دوم جاری است.

۹- ماده ۳۶۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد که: «آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است: ۱- ... ۲- ... ۳- ... عقد بیع با بیع را به تسلیم مبیع ملزم می‌نماید. شعبه سوم دیوان کشور در رأی شماره ۲۱۰۵ - ۱۹/۹/۲۰ خود بیان می‌دارد: (بر فرض وقوع معامله عدم ثبوت قبض صرفاً موجب رفع اثر از معامله نخواهد بود. ^۱ این رأی نیز براساس اصل صحت صادر گردیده است، به طوری که عدم رعایت بند سه ماده ۳۶۲ قانون مذکور رفع اثر از معامله نمی‌کند و بیع بدون قبض نیز صحیح است.

عدم پرداخت ثمن معامله یعنی عدم رعایت بند چهارم ماده ۳۶۲ قانون مدنی نیز لطمه‌ای بر صحت عقد نمی‌زند.

شعبه ۲۲ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۸۲۵ - ۶۹/۱۰/۵ خود چنین می‌گوید: نظر به اینکه به موجب ماده ۳۶۲ قانون مدنی به مجرد عقد بیع، فروشنده مالک و مستحق ثمن معامله گردیده و شرط پرداخت قسمتی از ثمن در موعد غیرمعین اگرچه ممکن است از شروط باطله باشد ولی مفسد عقد بیع نیست. ^۲

این رأی نیز براساس اصل صحت صادر گردیده و عدم پرداخت ثمن در موعد معین خدشه‌ای بر صحت عقد نمی‌زند.

در رأی دیگری هم که به شماره ۵۳۶ - ۷۲/۹/۶ از شعبه سوم و طی شماره ۷۳۹ - ۷۱/۱۲/۳ از شعبه دهم دیوان عالی کشور صادر شده، چنین آمده است: قسمت اعظم استدلال دادگاه در باب تصرف مالک و متصرف ملک موهم این معنی است که دادگاه در عقد بیع قبض و اقباض مبیع را شرط صحت معامله می‌داند در صورتی که در عقد بیع قبض و اقباض شرط صحت معامله نیست (به استثنای معاطات و بیع صرف موضوع ماده ۳۶۴ قانون مدنی) و به موجب بند یک ماده ۳۶۲ قانون مدنی به

۱. همان، ص ۸۵

۲. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد،

مجرد وقوع بیع، مشتری مالک بیع و بایع مالک ثمن می‌شود.^۱ در آراء مذکور نیز که براساس اصل صحت صادر گردیده است عدم قبض و اقباض خللی به بیع وارد نمی‌نماید.

رای ۱۶۶ - ۸ مورخ ۷۱/۳/۲۳ شعبه هشتم دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: استدلال دادگاه بر عدم صحت معامله به لحاظ عدم پرداخت ثمن مخالف ماده ۳۷۸ قانون مدنی است بنابراین صرف عدم دریافت ثمن معامله بر فرض صحت ادعا از موجبات خلع ید خریدار از مورد معامله نیست.^۲

۱۰ - ماده ۳۹۴ - قانون مدنی می‌گوید مشتری باید ثمن معامله را در موعد و در محل و برطبق شرایطی که در عقد بیع مقرر شده است تأدیه نماید. در این مورد دیوان کشور به موجب رأی ۳۷۵۳ - ۱۰۹۰ - ۱۳۱۹/۸/۱۲ چنین می‌گوید: «عدم وصول ثمن تزلزلی در صحت عقد وارد نخواهد داشت».^۳ ملاحظه می‌شود که با اینکه ماده ۳۹۴ قانون مدنی کلمه «باید» را به کار برده است مع‌هذا دیوان کشور در رأی صادره در مورد عدم [پرداخت] ثمن اصل صحت را در نظر داشته است.

۱۱ - ماده ۴۷۳ قانون مدنی می‌گوید (لازم نیست که موجر مالک عین مستأجره باشد ولی باید مالک منافع آن باشد) حکم شماره ۶۷۷۷ - ۱۰/۱/۷ دیوان نیز در این مورد مقرر می‌دارد مالک نبودن عین ملازمه با عدم مالکیت منافع آن نداشته و برای صحت عقد مطابق ماده ۴۷۳ قانون مدنی استحقاق منافع کافی است.^۴

۱۲ - ماده ۴۶۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر در بیع شرط معلوم شود که قصد بایع به حقیقت بیع نبوده است احکام بیع در آن مجری نخواهد بود». مستفاد از این

۱. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظرات دیوان کشور، ص ۱۷، سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۱۳۲.

۲. محمد عبده بروجردی، آراء دیوان کشور از ۱۲۹۲ تا اسفند ۱۳۱۰، چاپ مطبعه ایران، ص ۹۲.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. محمدرضا گیلدشتی، اصالة الصحة و تأثیر آن در قوانین ایران، ص ۴۸، چاپ ۱۳۴۵.

ماده نیز آن است که تا وقتی که معلوم نشده است که بایع حقیقتاً قصد بیع نداشته است مطابق اصل صحت باید احکام بیع را بر آن مترتب نمود.^۱

۱۳- در ماده ۲۱۵ قانون مدنی نیز می‌توان آثار اصل صحت را مشاهده نمود. ماده مرقوم بیان می‌دارد «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد.

در این باره نیز رأی شماره ۵۸۹۲- ۳۸/۱۱/۱۰ دیوان کشور چنین می‌گوید خرید و فروش چیزی که در عرف ارزش داد و ستد ندارد ولی در نظر خریدار و فروشنده ارزش مالی و معنوی دارد، فروش آن معقول است مانند یادگارهای خانوادگی صحیح است.^۲

۱۴- ماده ۲۱۶ قانون مدنی می‌گوید «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است) رأی ۲۴۷- ۱۳۱۹/۱/۲ در این باره می‌گوید: با مشخص بودن حدود و مشخصات بیع، حکم به بطلان بیع از جهت جهل به آن نمی‌شود.»^۳

در این ماده نیز صرف معلوم بودن حدود و مشخصات بیع برای صحت عقد کافی شناخته شده است و اصل صحت در آن منظور گردیده است.

۱۵- ماده ۶۹۰ قانون مدنی می‌گوید: (در ضمان شرط نیست که ضامن مالدار باشد لیکن اگر مضمون له در وقت ضمان به عدم تمکین ضامن جاهل بوده باشد می‌تواند عقد ضمان را فسخ کند ولی اگر ضامن بیع از عقد غیر ملئی (نادار) شود مضمون له خیاری نخواهد داشت).

رأی اصراری شماره ۲۲۵۴- ۱۳۳۵/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور چنین می‌گوید: (نظر دادگاه در اصل دعوی صحیح نیست زیرا علاوه بر اینکه اعسار

۱ و ۲. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصرالله قهرمانی، انتشارات مجلد، ص ۶۵.

۳. همان.

مدیون در تاریخ انتقال دین مشارالیهها به فرجامخواه احراز نشده، چون مورد صلح حقوق فرجامخواه نسبت به موضوع سند بدهی نامبرده بوده و با شرط نشدن ملائت مدیون در سند معامله اعسار مشارالیهها به فرض صحت موجب بطلان صلح یا حصول حق خیار برای انتقال گیرنده نمی شود و مورد ۶۹۰ و ۷۲۹ قانون مدنی شامل صلح نبوده و استدلال به عدم تصرف طرفین در مورد صلح که حقوق ناقل بر ذمه غیر بوده مورد نداشته.^۱

رأی شعبه هشتم دیوان کشور شماره ۸/۱۷۷-۱۳۲۹/۱۰/۲۶ نیز مقرر می دارد «اگر شخصی در مؤسسه‌ای استخدام شود و دیگری ضامن او گردد که اگر در محاسبات کسر آورد جبران خسارات کند این الزام ضمان نیست و به این عنوان اعتبار ندارد ولی بر مبنای ماده ۱۰ قانون مدنی نافذ است»^۲ ملاحظه می شود که دیوان کشور تلاش کرده است اقدام ضامن (عقد ضمان) را صحیح تلقی نماید و برای نیل به این هدف و با استفاده از اصل صحت، موضوع را در قالب ماده ۱۰ قانون مدنی صحیح می داند.

۱۶- ماده ۶۹۹ قانون مدنی می گوید: تعلیق در ضمان مثل اینکه ضامن قید کند که اگر مدیون نداد من ضامنم، باطل است ولی التزام به تأدیه ممکن است معلق باشد.

دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۳۷۶-۱۳۰۹/۷/۷ خود بیان می دارد: «تعلیق پرداخت در مورد ضمان موجب تعلیق اصل ضمان و بطلان آن نخواهد بود ولو اینکه معلق علیه تعلل و تسامح دائن باشد»^۳

رأی دیگر دیوان کشور به شماره ۱۵۶۱-۱۳۰۸/۲/۱۴ نیز می گوید: «التزام

۱. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۲۰۰.

۲. همان، ص ۲۰۱.

۳. همان، ص ۲۰۲.

موضوعاً و حکماً با ضمان مخالف است و تعلیق در التزام مطابق ذیل ماده ۶۹۹ و ماده ۷۳۳ قانون مدنی صحیح است.^۱

مفاد آراء فوق‌الاشعار نیز حکایت از رعایت اصل صحت دارد.

۱۷ - ماده ۷۶۲ قانون مدنی می‌گوید: «اگر در طرف مصالحه و یا در مورد صلح اشتباهی واقع شده باشد صلح باطل است.» حال اگر پس از انعقاد صلح ادعا گردد که مصالح به تصور اینکه متصالح از اقربای او می‌باشد مبادرت به انعقاد صلح نموده ولی پس از وقوع عقد معلوم گردیده که متصالح از بستگان او نمی‌باشد و این ادعا مورد تکذیب طرف مقابل واقع شود بر مبنای اصل صحت عقد محمول بر صحت است و مدعی صحت عقد محتاج به اقامه دلیل بر عدم وقوع اشتباه نیست و بر عهده مدعی اشتباه است که ادعای خود را ثابت کند.^۲

۱۸ - ماده ۷۵۲ قانون مدنی می‌گوید: «صلح ممکن است در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی یا در مورد معامله و غیر آن واقع شود.» حال اگر طرفین اختلاف اقرارنامه برای ترک دعوی تنظیم نمایند آیا این اقدام را می‌توان عقد صلح تلقی نمود؟ شعبه ۸ دیوان کشور در رأی شماره ۸/۱۸۹ - ۷۱/۴/۸ خود چنین می‌گوید: «سند تنظیم شده تحت عنوان ترک دعوی عقد صلح محسوب می‌شود.»^۳ در این رأی نیز آثار اصل صحت ملاحظه می‌شود.

۱۹ - ماده ۷۷۳ قانون مدنی بیان می‌دارد: «هر مالی که قابل نقل و انتقال قانونی نیست نمی‌تواند مورد رهن واقع شود.» شعبه ۴ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۱۸۰ - ۱۳۱۸/۵/۳۰ خود مقرر می‌دارد: «مطابق مواد قانونی وثیقه و رهن گذاشتن مال موجب خروج آن از مالکیت مالک نمی‌شود بلکه برای مرتهن حقی نسبت به

۱. همان، ص ۲۰۲.

۲. سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقه، بخش مدنی، ص ۲۲۵.

۳. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمان، انتشارات مجد، ص ۲۱۲.

مال مرهون ایجاد می‌شود که معاملات مالک نسبت به آن مال در صورتی که منافی حق مرتهن باشد بدون اجازه او یا فک رهن نافذ نیست. بنابراین استدلال دادگاه پژوهشی راجع به بطلان رهن خانه‌ای که از طرف مالک نزد مدعی رهن گذاشته شده (با اینکه خانه مذکور در تاریخ معامله با مدعی نزد اداره ثبت اسناد وثیقه بوده و در آن تاریخ رهن مالک خانه نبوده تا بتواند آن را نزد مدعی رهن بگذارد) صحیح نیست. همچنین استناد دادگاه بدوی در این خصوص به ماده ۷۷۳ قانون مدنی بی‌وجه است زیرا مقصود از ماده مزبور مالی که اساساً قابل نقل و انتقال نباشد و رهن گذاردن، مال را از قابلیت نقل و انتقال خارج نمی‌کند.^۱

در این رأی نیز با توجه به اصل صحت، استدلال دادگاه پژوهش را درباره بطلان رهن مورد پذیرش قرار نداده است.

۲۰ - ماده ۷۹۳ قانون مدنی می‌گوید: «رهن نمی‌تواند در رهن تصرفی کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن» شعبه ۶ دیوان عالی کشور در رأی ۱۲۹۳ - ۱۳۲۶/۷/۲۹ مقرر می‌دارد: «در صورتی که رهن ملک خود را به دیگری بفروشد و مرتهن طلب خود را از خریدار مطالبه نماید در حقیقت مرتهن امضاء معامله‌ای را که قبل از انقضای مدت رهن به عمل آمده، نموده است و بنابراین معامله رهن نسبت به ملک مرهون تصرفی نبوده که منافی حق مرتهن باشد و استناد دادگاه به ماده ۹۷۳ قانون مدنی در بی‌اثر بودن معامله (به عنوان اینکه رهن حق انتقال عین مرهونه را نداشته) صحیح نخواهد بود.^۲ ملاحظه می‌شود که در رأی دیوان کشور با توسل به اصل صحت معامله رهن نسبت به ملک مرهون صحیح دانسته شده است.

۲۱ - ماده ۸۰۸ قانون مدنی بیان می‌دارد: (که هرگاه مال غیر منقول قابل تقسیمی بین دو نفر مشترک باشد و یکی از دو شریک حصه خود را به قصد بیع به شخص

۱. همان، ص ۲۱۵.

۲. همان، ص ۲۱۸.

ثالثی منتقل کند شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه مبیعه را تملک کند، این حق را حق شفعه و صاحب آن را شفیع می گویند.

شعبه ۴ دیوان کشور در رأی شماره ۱۵۰۸ - ۱۳۳۰/۱۱/۲۳ خود چنین می گوید: «اعلام استفاده از حق شفعه در موقع قانونی خواه از طریق اظهارنامه یا از طریق تقدیم دادخواست با تودیع نمودن وجه معامله به منظور تملیک مورد معامله کافی برای استفاده از حق مزبور می باشد و اگر در تقدیم دادخواست به مرجع صالح اشتباهی رخ داده باشد. (در صورتی که آن دادخواست را به موقع داده باشد) در حق شفیع تأثیری نخواهد داشت.»^۱

ملاحظه می شود که اشتباه فوق الاشعار (با توجه به اصل صحت) خللی بر حق شفیع وارد نمی آورد.

۲۲ - به موجب ماده ۸۳۲ قانون مدنی (موصی له می تواند وصیت را نسبت به قسمتی از موصی به قبول کند در این صورت وصیت نسبت به قسمتی که قبول شده صحیح و نسبت به قسمت دیگر باطل می شود). رأی وحدت رویه لازم الاتباع هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی شماره ۵۴ - ۱۳۵۱/۱۰/۱۳ خود چنین می گوید:

«نظر به اینکه از ماده ۲۹۱ قانون امور حسبی که پذیرفته شدن وصیت نامه عادی را مشروط به تصدیق اشخاص ذی نفع در ترکه دانسته، لزوم تأیید کلیه ورثه استفاده نمی شود و عدم تصدیق بعضی از وراث مانع نفوذ و اعمال وصیت در سهم وراثی که آن را قبول کرده اند نمی باشد و ماده ۸۳۲ قانون مدنی نیز مؤید این معنی است و بر طبق مواد ۱۲۵۷ و ۱۲۷۸ قانون مدنی اقرار هرکس نسبت به خود آن شخص نافذ و مؤثر است و ملزم به اقرار خود خواهد بود. رأی شعبه ۱۰ دیوان عالی کشور که وصیت نامه عادی را در سهم وراثی که آن را تصدیق کرده اند نافذ دانسته، صحیحاً صادر شده است.»^۲

۱. همان، ص ۲۲۱.

۲. مجموعه قوانین سال ۱۳۵۱، ناشر روزنامه رسمی، بخش رویه قضایی، ص ۲۷.

می‌دانیم که وصیت هرکسی به نفع خود تا ثلث ترکه نافذ می‌باشد و در این مورد دیوان عالی کشور نیز در رأی ۱۶۴۱ - ۱۳۰۸/۷/۳۰ خود مقرر می‌دارد: «صحت وصیت منوط به تعیین مصرف ثلث نیست^۱ و نشانه‌های اصل صحت نیز در آراء فوق‌الاشعار مشاهده می‌شود. در رأی دیگر به شماره ۱۲۹۳ - ۱۹/۴/۲۰ دیوان کشور نیز چنین آمده است: عدم قید وصیت و حبس از طرف موصی در ثبت رقبه منافاتی با صحت وصیت و حبس و یا دلیل عدم اقتران به شرایط صحت و مقررات حبس نمی‌باشد. بدین ترتیب در وصیت تملیکی در وقف مال غیرمنقول، تقاضای ثبت برای ملک مذکور مانع از صحت وصیت به وقف نخواهد بود.^۲

۲۳ - ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی: «تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچیک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد شرط صحت عقد است.»^۳

حال اگر ادعا شود که در ازدواج اشتباه در شخص شده است و مثلاً مرد مدعی شود که زنی را که به عنوان دختر فلان به او معرفی کرده‌اند پس از ازدواج متوجه شده که اشتباهی رخ داده و زوجه دختر شخص دیگری است ولی زن اظهارات زوج را تکذیب نموده و وقوع اشتباه را مردود بدانند برابر اصل صحت اظهارات زوجه مورد قبول است مگر اینکه زوج خلاف آن را ثابت نماید.^۳

۲۴ - به موجب ماده ۱۲۱۳ قانون مدنی «مجنون دائمی مطلقاً و مجنون ادواری در حال جنون نمی‌تواند هیچ تصرفی در اموال و حقوقی مال خود بنماید ولی با اجازه ولی یا قیم خود. لیکن اعمال حقوقی که مجنون ادواری در حال افاقه می‌نماید نافذ است مشروط بر آنکه افاقه او مسلم باشد. حال اگر مجنون ادواری ادعا نماید که در هنگام معامله در حال بیماری بوده و نمی‌دانسته است چه می‌کند و طرف قرارداد نیز مدعی باشد که او در حال افاقه بوده است و آگاهانه معامله کرده است، اصل صحت

۱. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیرنظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۲۲۴.

۲. سیدمصطفی محقق داماد، قواعد فقه بخش مدنی، ص ۲۲۵، نشر علوم اسلامی، ص ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۷۸.

ایجاب می کند که به چنین تردیدی اعتناء نشود و معامله نافذ باشد.^۱

شعبه ۳۳ دیوان عالی کشور در دادنامه ۶۷۳ - ۷۰/۵/۲۱ خود چنین مقرر نموده است: «با توجه به محتویات پرونده کلاسه ۱۲۳۲ - ۶۹ و امعان نظر در آن، اعتراض معترض وارد بوده، به جهت آنکه به گواهی شهود از جمله مدارک بانکی نشان می دهد قبل از تاریخ محجوریت مرحوم (ع) از شعور برخوردار بوده، شخصاً به بانک مراجعه می کرده حقوق خود را دریافت می نموده، عدم شعور وی در جریان معامله انجام شده از جانب آن مرحوم ثابت نشده، به ویژه پزشک مربوط اظهار نظر نموده تاریخ عدم شعور در حد محجوریت را نمی توان به طور دقیق مشخص کرد. مضافاً بر آن اصالةالسلامة تا زمان قطع به خلاف که زمان معامله را در بر نمی گیرد می تواند مستند صحت معامله باشد. علی هذا به موجب بند الف ماده ۱۰ قانون تجدیدنظر حکم شماره ۱۳۰۰ - ۶۹/۹/۲۴ دادگاه مدنی خاص شعبه ۱۸ اصفهان نقض می گردد تا به دادگاه همعرض دادگاه صادرکننده حکم اولی ارجاع داده شود.»^۲

رای صادره که بر اثر اختلاف بین وراث مرحوم (ع) در مورد صحیح بودن معاملات متوفی از جهت سالم بودن وی در زمان انجام معامله صادر گردیده است اصل صحت در مقام رفع مشکل برآمده و معاملات انجام شده را صحیح دانسته است.

۲۵ - به موجب ماده ۱۲۷۷ قانون مدنی انکار بعد از اقرار مسموع نیست لیکن اگر مقرر ادعا کند اقرار او فاسد یا مبتنی بر اشتباه یا غلط بوده، شنیده می شود و همچنین است در صورتی که برای اقرار خود عذری ذکر کند که قابل قبول باشد مثل اینکه بگوید اقرار به گرفتن وجه در مقابل سند یا حواله بوده که وصول نشده، لیکن دعوای مذکوره مادامی که اثبات نشده، مضر به اقرار نیست.

شعبه ۳ دیوان عالی کشور در حکم شماره ۵۱۵ - ۲۸/۳/۱ می گوید: (انکار بعد از

۱. ناصر کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، نشر بهنشر، صفحه ۳۶، چاپ سال ۱۳۶۸.

۲. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظرات دیوان کشور، ص ۲ و ۸۱.

اقرار قانوناً مسموع نیست بنابراین اگر کسی مثلاً در سابق صریحاً به وقفیت زمینی اقرار نموده باشد، درخواست ثبت به عنوان مالکیت بعداً از طرف او صحیح نیست و نمی‌توان اقرار او را به منزله شهادت تلقی کرد.^۱ شعبه ۶ دیوان کشور نیز در رأی ۲۲۷۶ - ۷۶/۱۰/۱۹ می‌گوید: «دادگاه نمی‌تواند از اقرار صریح خواننده بدون ذکر دلیل بطلان، صرف‌نظر نماید.^۲ و شعبه ۳ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۳۶۲ - ۷۶/۱۰/۲۹ می‌گوید: «دادگاه نمی‌تواند از اقرار صریح خواننده بدون ذکر دلیل بطلان، صرف‌نظر نماید.^۳ و شعبه ۳ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۳۶۲ - ۷۶/۱۰/۲۹ چنین می‌گوید: اگر فروشنده‌ای اقدام به تنظیم ورقه مبیعه‌نامه استنادی خودش در دفتر رسمی بنماید هرچند آن ورقه در دفتر نماینده به ثبت نرسیده باشد. دعوی او به اینکه تنظیم ورقه مزبور برای اثبات مالکیت بوده قابل استماع نیست و به مقتضای اقرار مذکور و از نظر ماده ۱۲۱۹ قانون مدنی ملک به مدعی علیه منتقل شده تلقی می‌گردد.^۴

در کلیه موارد مذکور با توجه به اینکه عدم پذیرش اصل صحت ایجاد اختلال در نظم جامعه می‌نماید و روابط اجتماعی را دستخوش هرج و مرج می‌نماید علی‌هذا قانونگذار اصل صحت را ماده ۱۲۹۱ قانون مدنی می‌گوید اسناد عادی در دو^۵ مورد اعتبار اسناد رسمی را داشته درباره طرفین و وراثت قانونی آنان معتبر است. ۱- ... ۲- هرگاه در محکمه ثابت شود که سند مزبور را طرفی که آن را تکذیب یا تردید کرده است فی‌الواقع امضاء یا مهر کرده است. در این خصوص نیز شعبه چهارم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۲۵۲ - ۲۹/۷/۲۸ چنین بیان می‌دارد: «در صورتی

۱. همان، ص ۳۲۸.

۲. سیدمحمدعلی کشاورز صدر، رویه آئین دادرسی مدنی، ص ۱۷۹، چاپ امیرکبیر، سال ۱۳۴۴، و مرجع پیشین، ص ۷۱.

۳. مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان کشور، انتشارات کیهان، ص ۳۲۸.

۴ و ۵. احمد متین، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، نظرات دیوان کشور از ۱۳۳۰ تا ۱۳۱۰، ص ۱۳۹.

که خواننده در دادگاه به صدور سند عادی از ناحیه خود اقرار کند استناد دادگاه به مواد ۴۷ و ۴۸ قانون ثبت علیه خواننده و در رابطه بین متداعیین مجوزی ندارد.^۱ شعبه سوم دیوان موصوف نیز در رأی شماره ۴۷۶ - ۲۹/۳/۹۰ می گوید: «اگر خواننده به وقوع اجاره اقرار نماید دادگاه نمی تواند بدون توجه به اقرار مزبور و ماده ۳۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی اجاره نامه مستند را نپذیرد.»^۲

آراء فوق الاشعار نیز با رعایت اصل صحت (صحت احوال) صادر گردیده است. پذیرفته است.

۲۶ - ماده ۱۲۷۸ قانون مدنی مقرر می دارد: «اقرار هرکس فقط نسبت به خود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست مگر در موردی که قانون آن را ملزم قرار داده باشد.» شعبه ۷ دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۶۶۸ - ۲۸/۹/۲۳ چنین می گوید: «اصولاً استناد به اقرار وکیل (که موضوع وکالت او فسخ یا اقاله شده باشد) دایر به رسید وجه دلیل بر مسئولیت او به رد وجه نیست مگر اینکه تصریح شده باشد که خود وکیل شخصاً وجه معامله را اخذ کرده و یا اقرار کرده که وجه را شخصاً دریافت نموده که به موکل برساند. زیرا وکیل امین است و اقرار او بدون تصریح فوق محمول بر این است که وجه به موکل او رسیده است.»^۳ در این رأی نیز دیوان کشور اصل صحت احوال را پذیرفته است.

۲۷ - ماده ۱۳۰۵ قانون مدنی می گوید: «در اسناد رسمی تاریخ تنظیم معتبر است حتی بر علیه اشخاص ثالث ولی در اسناد عادی تاریخ فقط درباره اشخاصی که شرکت در تنظیم آنها داشته و ورثه آنان و کسی که به نفع او وصیت شده است معتبر

۱. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد، ص ۳۲۸.

۲. همان، ص ۳۳۲.

۳. مهدی نیکفر، قانون مدنی در آراء دیوان کشور، انتشارات کیهان، ص ۳۷۷.

است.^۱ رأی ۲۸۵۰ - ۱۳۰۹/۳/۷ دیوان کشور بیان می‌دارد: هرگاه سندی فقط مشتمل بر مهر طرف بوده و امضاء او را نداشته باشد، نداشتن امضاء موجب بی‌اعتباری آن نخواهد شد. مگر اینکه شخصی که سند بر علیه او ابراز شده است اثبات کند که بدون اجازه او مهرش در آن ورقه استعمال شده است.^۱ در این رأی نیز مادامی که شخص منکر استفاده از مهر و ادعای خود را ثابت نکرده است اصل صحت جاری بوده و سند ارائه شده معتبر و صحیح خواهد بود.

۲۸ - ماده ۱۲۹۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اسناد رسمی درباره طرفین و قائم مقام آنان معتبر است و اعتبار آنها به شخص ثالث در صورتی است که قانون تصریح کرده باشد. شعبه ۸ دیوان کشور در حکم شماره ۳۶۱ - ۲۹/۲/۲۷ خود، اصل صحت را در نظر داشته و چنین می‌گوید: «سند وقتی ابطال می‌شود که از طرف کسی که در تنظیم آن دخالت داشته یا قائم مقام او ادعای بطلان کرده باشد. و بدین ترتیب اصل صحت و اصل اصالت اسناد در خصوص مورد جاری است مادامی که خلاف آن ثابت شود.^۲»

۲۹ - ماده ۱۲۹۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد که «در مقابل اسناد رسمی یا اسنادی که اعتبار اسناد رسمی را دارد انکار و تردید مسموع نیست و طرف می‌تواند ادعای جعلیت نسبت به اسناد مزبور کند یا ثابت نماید که اسناد مزبور به جهتی از جهات قانونی از اعتبار افتاده است.» به موجب ماده فوق اصل در اسناد رسمی یا اسناد عادی که اعتبار اسناد رسمی را دارند صحت است و چنانچه شخص مقابل دارنده سند مدعی بطلان و مجعولیت سند مزبور گردد، این ادعا مادام که به اثبات نرسیده است

۱. محمد بروجردی عبده، اصول قضایی، قسمت حقوقی، مستخرجه از احکام دیوان عالی کشور،

ص ۵۲.

۲. همان، ص ۷۷.

مسموع نیست. دیوان عالی کشور در حکم شماره ۲۹۷۸ - ۱۸/۱۱/۱۷ خود چنین اظهار نظر می نماید:

«با احراز صحت سند مستند ادعا، از اعتبار افتادن سند، باید مستند به دلیل قانونی باشد.»^۱ در این رأی نیز اصل صحت رعایت شده است به طوری که مادامی که سندی که صحت آن احراز گردیده است، جز با دلیل قانونی نمی توان آن را از اعتبار انداخت زیرا اصل، صحت و اصالت اسناد است.

۳۰ - ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی می گوید: اماراتی که به نظر قاضی واگذار شده عبارتست از اوضاع و احوالی در خصوص مورد، در صورتی قابل استناد است که دعوی به شهادت شهود قابل اثبات باشد یا ادله دیگری را تکمیل نماید.

دیوان عالی کشور طی حکم شماره ۲۱۱۴ - ۱۴۲۷۰ - ۱۳۱۶/۹/۲۲ بیان می دارد: «هر نوشته ای که حکایت از اوضاع و احوال و امارتی بنماید که به موجب ماده ۱۳۲۴ قانون مدنی مکمل شهادت شهود و قابل استناد است باید طرف توجه واقع گردد و نمی توان آن را بدون دلیل ملغی الاثر قرارداد.^۲

در تنظیم ماده فوق و اصدار رأی نیز اصل صحت در نظر گرفته شده است.

رأی شماره ۱۶۶۱ - ۱۳۱۰/۱۲/۲۵ دیوان کشور درباره دو صلحنامه مختلف التاریخ چنین می گوید: «صرف تنافی مدلول دو صلحنامه مختلف التاریخ موجب بطلان یا فسخ صلح اول نخواهد بود.»^۳ و بنابراین اصل صحت در مورد صلحنامه با تاریخ مقدم جاری است مادامی که خلاف آن ثابت شود.

۱. سیدعبدالمجید قائم مقام فراهانی، حقوق بین الملل عمومی، ج ۶، منابع اخلاقی و ابطال آراء دیوان دادرسی چاپ اول، ۱۳۷۳ ص ۱۳۸.

۲. محمدجعفر جمعری لنگرودی، دانشنامه حقوقی، ج ۱، ص ۳۹۰.

۳. سیدمحمدرضا حسینی، قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر نصراله قهرمانی، انتشارات مجد،

درباره حکمیت و داوری نیز رأی ۱۰۸۹-۲۰۱ - ۱۳۰۶/۸/۲۱ دیوان کشور چنین می‌گوید: «در صورتی که قواعد راجع به تنظیم حکم نامه در باب مرجع به حکمیت رعایت نشده باشد ولی طرفین حکم را به تراضی انتخاب کرده و موجب عقدی از عقود حکم او را ملزومی خود قرار داده باشند محکمه باید [طبق] ماده ۱۰ قانون مدنی به حکم حکم، ترتیب اثر بدهد.^۱

۳۱- در مقررات قانون ثبت نیز آثاری از اصل صحت دیده می‌شود. در اسناد رسمی رهن دیده می‌شود که گاهی اشاره‌ای به اقباض رهنه به مرتهن نشده است و بعضی تصور می‌کنند که در این مورد رهن باطل است و سند قابل صدور اجرائیه نیست و حال آنکه اولاً طبق مواد ۴۶ - ۴۷ قانون ثبت، ثبت عقد اجباری است نه آثار عقد و ثانیاً در صورت شك در وقوع اقباض، اصالةالصحة جاری می‌شود. رأی ۱۱۴ - ۴۶/۳/۲۵ شورای عالی ثبت می‌گوید نظر به اینکه ثبت معامله طبق مواد ۴۶ - ۴۷ قانون ثبت اجباری است و قبض و اقباض از ماهیت معامله خارج بوده و از آثار آن است و بین ماهیت و آثار فرق بسیار است، لذا ثبت قبض و اقباض در سند رسمی رهن (واشابه آن) اجبار نیست و چون احتمال می‌رود در خارج و بین طرفین قبض و اقباض به عمل آمده باشد و اصالةالصحة در عقود طبق ماده ۲۲۳ قانون مدنی حکمفرما است، اشکالی از این جهت در صحت رهن نمی‌توان کرد.^۲

رأی شماره ۲۵/۱۴۰ - ۷۲/۳/۲۴ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «ایراد وکیل خواننده مبنی بر اینکه مستند دعوی به ثبت نرسیده (مواد ۴۸ - ۴۷ - ۴۶ قانون ثبت) موجه نمی‌باشد چون آنچه را که قانوناً محاکم را از پذیرش آن منع نموده، سند عادی به عنوان سند رسمی انتقال با تمامی آثار و نتایج حاصل از آن بوده والا در

۱. همان، ص ۱۹.

۲. محمدرضا گیلدشتی، اصالةالصحة و تأثیر آن در قوانین ایران، ص ۴۰.

پذیرش سند عادی به عنوان تعهد بر انجام امری و یا تحقق عقد به نحو مذکور در قانون مدنی منعی به نظر نمی‌رسد.^۱

رأی ۱۱۱ - ۲۵ - ۷۲/۱۰/۱ شعبه ۲۵ دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: (اسناد عادی در رابطه با اموال غیر منقول در حدود ماده ۱۰ قانون مدنی و به عنوان قرارداد و انتقال اعتبار دارد.^۲

به موجب قسمت اول ماده ۱۵ قانون ثبت (اگر تقاضاکننده در موقع تحدید حدود خود یا نماینده‌اش حاضر نباشد ملک مورد تقاضا با حدود اظهار شده از طرف مجاورین تحدید خواهد شد) در این ماده نیز قانونگذار در مورد اظهارات مجاورین، اصل صحت را معمول داشته است.^۳

۳۲ - برابر ماده قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹/۱/۲۱ «هرگاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی‌حق بودن طرف او باشد دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست» در این ماده نیز اصل صحت در اقرار مربوط به امور حقوقی پذیرفته شده است.

۳۳ - ماده ۳۲۰ قانون تجارت می‌گوید: «دارنده هر سند در وجه حامل مالک و برای مطالبه آن محق محسوب می‌شود مگر در صورت ثبوت خلاف...» ملاحظه می‌شود که این ماده نیز براساس اصل صحت تصویب شده است و مسادامی که خلاف مالکیت و استحقاق دارنده سند در وجه حامل ثابت نشده است با توجه به اصل صحت، اصالت سند و محق بودن دارنده سند ملاک عمل خواهد بود.

۱ و ۲. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، انعقاد و اعتبار قرارداد، ص ۳۷۳، نشر بهنشر، سال ۱۳۶۶.

۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، دانشنامه حقوق، ج ۱، ص ۳۶۷.

بخش دهم:

«نتیجه تحقیق و بررسی»

باتوجه به بحث و بررسی انجام یافته درباره اصل صحت در صفحات گذشته، درجه اهمیت اصل صحت در تأمین نفوذ قراردادها و رفع اختلافات اشخاص، معلوم می‌گردد و نتایج حاصله از تحقیق را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود، به عنوان مثال:

۱- در صورتی که مخالف عقد با قانون مورد تردید باشد اصل صحت آن است و به بهانه امکان وجود این مخالفت نمی‌توان عقد را نادرست دانست. مثلاً اگر درستی عقد و نفوذ عقد «مغارسه» یا «قرارداد بیمه» مورد تردید واقع شود باید آنها را نافذ و صحیح دانست و اثبات نادرستی آن به عهده مدعی فساد است.^۱ همچنین اگر در بیع صرف هرگاه قبض دو عوض در مجلس انجام نشود و یا در قراردادهای پیش‌فروش نفت تردیدی حاصل شود که آیا معامله باطل است یا تملیک پس از قبض صورت می‌گیرد متقاضی اصل صحت آن است که بیع صرف مؤجل نافذ باشد و اگر در نفوذ و اعتبار بیعی که در آن بیع و ثمن هر دو مؤجل می‌باشد، تردید شود بر طبق اصل صحت باید آن را نافذ شناخت.^۲

۲- اگر در عقدی ظاهراً تمام ارکان آن موجود باشد ولی کسی ادعای صوری بودن یا عدم مشروعیت آن را نماید، باید اقامه دلیل نماید. مثلاً هرگاه در عقود تشریفاتی (نظیر ثبت املاک در دفاتر رسمی) یکی از طرفین مدعی جعلیت سند یا عدم اهلیت خود بوده باشد باید ادعای خود را ثابت نماید و مادامی که این ادعا ثابت نشده است، اصل صحت در عقد جاری است و همان‌طوری که قبلاً نیز اشاره شده

۱. ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی - قواعد عمومی قراردادها، ج ۲، انعقاد و اعتبار قرارداد، ص ۴۵۷.

۲. توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات کیهان، ص ۲۵۲.

است به موجب رأی ۱۴۶۵ - ۱۷/۶/۲۰ دیوان کشور با احراز صحت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد فاسد بودن معامله محتاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن.

۳- در جایی که الفاظ عقد در عرف معانی گوناگون دارد عبارت باید حمل بر معانی شود که عقد در آن صورت درست است. مثلاً بیع قراردادی معوض است و فروش بدون ثمن فاسد است ولی هبه قراردادی رایگان می‌باشد و نیازی به عوض ندارد. حال اگر تردید شود که مفاد تراضی بیع بدون ثمن است و یا هبه می‌باشد، برابر اصل صحت باید آن را هبه دانست. نمونه‌های زیاد دیگری هم می‌توان ذکر کرد ولی برای آنکه اهمیت قضیه بیشتر معلوم گردد به یکی از قراردادهای نوظهور (مستحدثه) به نام قرارداد بیمه اشاره می‌شود که جزء عقود معین ذکر نشده است و در کتب فقهی نیز به ندرت مورد بحث قرار گرفته است حال اگر چنین قراردادی را حمل بر صحت نکنیم واقعاً مشکلات عظیمی دامن جامعه را فرا می‌گیرد.

امروزه اکثر کشورهای اسلامی مقدار قابل توجهی از احتیاجات روازنه و مواد غذایی خود (مثلاً گندم) را از کشورهای خارجی خریداری و وارد می‌کنند. هر بازرگانی مجبور به تهیه اعتبار از بانک است و بانک‌ها بدون پوشش بیمه، اعتباری در اختیار بازرگانان نمی‌گذارند.

اگر بازرگان کالای خود را بیمه نکرده باشد کالای او از زمان حمل تا تخلیه با خطرات گوناگون نظیر غرق شدن کشتی، رها شدن کالا از چنگال جرثقیل و متلاشی شدن آن، پرت شدن کانتینرها به هنگام طوفان در دریا از روی عرشه، سرقت و فاسد شدن کالا و وسایل نقلیه هوایی و دریایی و زمینی مواجه می‌باشد. حال اگر قرارداد بیمه را صحیح و نافذ ندانیم امکان حمل و نقل کالاها و حتی تهیه غذای مورد نیاز جامعه یک کشور مقدور نخواهد بود.

مثال دیگر بیمه اتومبیل است که امروزه به یک وسیله نقلیه ضروری تبدیل شده است امروزه تصادفات زیادی به وقوع می‌پیوندد و جان و مال عده‌ای نیز در اثر تصادفات از بین می‌رود سایر وسایل نقلیه هوایی و دریایی نیز وضع مشابهی دارند. خطر سقوط هواپیما و غرق شدن کشتی و از بین رفتن سرنشینان آنها و اموال و اثاثیه آنها همواره وجود دارد عقل نیز حکم می‌کند که راهی برای حفظ مال و جان پیدا شود و یا میزان خسارت وارده را تقلیل نماید. قرارداد بیمه در چنین مواردی قسمت عمده‌ای از خسارت وارده را جبران می‌نماید و شرکت‌های بیمه مبالغ قابل توجهی به سانحه دیدگان و خانواده آنها می‌پردازند. سیره عقلانی نیز چنین قراردادی (قرارداد بیمه) را تأیید می‌نماید. حفظ مصالح عمومی و پیشگیری از اخلال و هرج و مرج در جامعه نیز امری منطقی و عقلانی است در فقه امامیه نیز عقل یکی از منابع حقوقی شمرده شده است. برای حل مشکل چنین قراردادی دلایل گوناگونی ارائه شده است. که از جمله آنها اصل صحت یا اصالة الصحة می‌باشد که یکی از قواعد مربوط به احکام اسلامی است و در ماده ۲۲۳ قانون مدنی نیز مورد تصویب قرار گرفته است.^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. توفیق عرفانی، قرارداد بیمه در حقوق اسلام و ایران، انتشارات کیهان، ص ۲۵۲.